

کدام فهم و قرائت از اسلام، اسلامی است؟

محمد اکرام اندیشمند

آیا حاکمان و زمام داران مسلمان از نظر اسلام و شریعت اسلامی حق دارند تا ناکامی خود را در انجام وظایف و مسئولیت های شان در اشاره و استناد به آیات قرآن و احادیث نبوی توجیه کنند؟

حکم اسلام در مورد افراد و گروه های که از آدرس اسلام و به بهانه حاکمیت اسلام و اجرای احکام خداوند، مرتکب جنایات کشتار مردم بیگناه و مظلوم اعم از کودکان و زنان مسلمان در دارالاسلام و سرزمین مسلمانان می شوند، چیست؟

اسدالله عمرخیل والی قندوز دیروز (23 میزان 1395) در مصاحبه با خبرنگار تلویزیون آریانا گفت: «مرگه فرمانش (فرمان مرگ) از طرف پروردگار صادر می شود و این به مرمی تعلق ندارد. ما مسلمان هستیم هر وقتی که فرمان پروردگار صادر شد اگر در صندوق آهنی هم باشیم می میریم. کسی که گذشته می شود فرمان از طرف الله صادر شده است. در غیر فرمان الله نه توپ، نه تانگ و نه طیاره کسی را کشته می تواند.»

مسلماً اشاره و استناد والی قندوز در این اظهارات به آیه 78 سوره نساء بر می گردد: **أَيْنَمَا تَكُونُوا يُدْرِككُمُ الْمَوْتُ وَلَوْ كُنْتُمْ فِي بُرُوجٍ مُّشِيدَةٍ** (هر کجا که باشید شما را مرگ در می یابد هر چند در برج های آهنین و سخت قرار داشته باشید).

ملا عمر رهبر گروه طالبان در شامگاه ششم میزان 1378 (28 سپتامبر 1999) در پاسخ به این پرسش خبرنگار بخش پشتوی رادیو بی بی سی که پرسید: در سه سال حکومت طالبان اوضاع اقتصادی مردم به شدت رو به خرابی نهاده است، شما در بهبود وضع اقتصادی چه برنامه و تدابیری روی دست دارید؟، با لحن خشن پاسخ داد: «دا دخلکو کارندی. دا دخدای کار دي. . . . (این کار مردم نیست. کار خدا ونداست. به کسیکه بخواهد زیاد بدهد و به کسیکه بخواهد کم بدهد. در بسیار ملک ها وضع اقتصاد خراب است.)»

روشن است که اشاره و استناد رهبر طالبان در این پاسخ به آیاتی از قرآن در مورد رزق و روزی بر می گردد: **إِنَّ رَبَّكَ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَن يَشَاءُ وَيَقْدِرُ إِنَّهٗ كَانَ بَعِيدًا خَبِيرًا** **بصیراً (سور اسراء آیه 30)** (همانا پروردگار تو، روزی را برای هر کس که بخواهد توسعه می دهد و برای هر کس که بخواهد تنگ می گرداند و البته خداوند همیشه به حال بندگان خود آگاه و بینا است.)

عبدرب الرسول سیاف از رهبران معروف جهاد و مجاهدین رهبر حزب دعوت اسلامی افغانستان سال گذشته در تالار لویه جرگه روز تجلیل از هفته شهید گفت: «انتحار کردن حرام است و کسانی که این کار را انجام میدهند در حقیقت با خدا و رسول او می جنگند. قرآن حکم می کند که چنین افرادی را با زجر بکشید، به دار بزنید و از روی زمین محوشان کنید. چرا مفتی هایی که برای حملات انتحاری و انفجاری طالبان، مشروعیت دینی میتراشند، خود بمب به کمر نمی بندند و انتحار نمی کنند؟.....»

اما گلب دین حکمتیار رهبر حزب اسلامی که توافقی صلح را با رئیس جمهور غنی از راه دور امضاء کرد، در بیانیه ضبط شده خود از این راه دور از رئیس جمهور خواست تا در

جهت صلح با طالبان قبل از همه، تمام زندانی های طالبان را بدون قید و شرط رها کند. و امین کریم نماینده وی در مذاکرات صلح با دولت در مصاحبه با تلویزیون خورشید در شهر کابل، حملات انتحاری حزب اسلامی را در شاه شهید و میدان هوایی در سالهای قبل، حملات استشهادی خواند و تلفات مردم بیگناه را در این حملات ادعای دروغ و فوتو شاپ شده گفت. او که در دارلکفر فرانسه اقامت دارد و نه تنها اقامت که، شهروند این دارلکفر است در پاسخ به این پرسش خبرنگار که اگر انتحار، استشهاد و برای اسلام و رضای خداوند است، چرا او تا حالا خودش عملیات استشهادی انجام نداده، گفت: در یک جهاد و مبارزه، افراد وظایف مختلف دارند.

آنچه که در این همه توجیه و تناقض مشاهده می شود، استفاده ابزاری از اسلام در جهت رفتار و عملکردی که افراد خود مسئول و پاسخگوی آن هستند همراه با تظاهر و ریاکاری است. به همان حدی که مردم، زجر و مظلومیت این استفاده ابزاری از اسلام را می کشند و قربانی رفتار ریاکارانه می شوند، اسلام نیز گرفتار این مظلومیت است. سوال اصلی این است که چگونه می توان، هم مسلمانان، و هم اسلام را از این مظلومیت بیرون کرد و مانع ابزاری شدن دین خدا شد؟